

بهمن احمدی امویی

اقتصاد سیاسی

صندوق‌های قرض الحسنه

ومؤسسات اعتباری

سقوط یک ایدئولوژی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه



بهمن احمدی امویی
(۱۳۴۶)

او دانش‌آموخته رشته اقتصاد از دانشگاه مازندران است و سال‌ها به عنوان روزنامه‌نگار با روزنامه‌های جامعه، توس، صبح امروز، نوروز، شرق، وقایع اتفاقیه و سرمایه همکاری داشته است.

از دیگر آثار او:

اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی،
مردان جمهوری اسلامی چگونه تکنوکرات شدند،
مسیر آشتی (ترجمه)

فهرست

مقدمه	۹
فصل یکم: مهم‌ترین ۱۰ سال ۱۰۰ سال اخیر	۱۳
فصل دوم: انقلاب ۱۳۵۷ و آغاز دگرگونی‌های بی‌سابقه بانکی و پولی	۲۹
فصل سوم: قوانین بانکی - پولی و صندوق‌های قرض‌الحسنه	۵۵
موارد استفاده از قرض‌الحسنه در ایران	۵۷
سیر تطور قوانین و مقررات صندوق‌های قرض‌الحسنه	۵۸
ضرورت نظارت بانک مرکزی	۶۸
سابقه قرض‌الحسنه در سایر کشورها	۷۰
انواع صندوق‌های قرض‌الحسنه	۷۱
مسائل و مشکلات پولی و مالی ناشی از صندوق‌های قرض‌الحسنه	۷۳
فصل چهارم: پایان جنگ و آغاز دوران جدید رونق صندوق‌ها	۷۷
فصل پنجم: اصفهان؛ شروع بحران صندوق‌های قرض‌الحسنه	۹۱
فصل ششم: مجلس و صندوق‌های قرض‌الحسنه	۹۹
فصل هفتم: ۱۳۸۴؛ آغاز پایان رونق صندوق‌ها	۱۳۱
فصل هشتم: ۱۳۸۹؛ زمان برخورد	۱۴۵

مقدمه

نرخ بالای سود بانکی که معضل اصلی اقتصاد امروز ایران است و به شدت به نرخ رشد کشور آسیب زده، حاصل عملکرد نظام بانکی بیمار است. در عین حال، بخش قابل ملاحظه‌ای از مشکلات نظام بانکی نیز خود از حضور نهادهای شبه بانکی غیررسمی در عرصه پولی کشور نشئت می‌گیرد. بی‌شک اگر «صندوق‌های قرض الحسنه با عملکرد بانکی» و «تعاونی‌های اعتبار عام» در دوره بعد از انقلاب شکل نمی‌گرفت و گسترش نمی‌یافت، امروز معضلات شبکه بانکی کشور تا این حد عمیق نمی‌شد. این نهادهای پولی بدون مقام ناظر از وجوه عمومی استفاده کردند و آن وجوه را در اقتصاد به چرخش درآوردند، بدون آنکه تحت نظارت مقام پولی جمهوری اسلامی ایران باشند.

آن‌ها به مثابه بانک‌های بد، به کارکرد بانک‌های خوب کشور نیز صدمه زدند، و امروزه شرایطی را فراهم آورده‌اند که استفاده از صفت «بحرانی» برای آن شرایط، به هیچ‌وجه اغراق‌آمیز نیست.

کتاب بهمن احمدی امویی ما را با تاریخچه پیدایی صندوق‌های قرض الحسنه و تعاونی اعتباری آشنا می‌کند: این نهادها چگونه و چرا شکل گرفتند و وسعت

عمل یافتند؟ چه اشتباهاتی رخ داد که این نهادهای خصوصی به نهادهای عمومی بدل شدند و از وجوه عمومی استفاده کردند و از آن مجرا مشکلات گسترده‌ای برای کشور ایجاد کردند؟ این‌ها دیگر مواردی است که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است.

وی توضیح می‌دهد که چرا نیت خیر مؤسسان و شرکای اولیه صندوق‌های قرض‌الحسنه متأسفانه به عملکرد نامناسب امروز آن‌ها تبدیل شده است، و چگونه ندانم کاری پاره‌ای از دولتیان به صدور مجوز تعاونی‌های اعتباری عام انجامیده که بلا‌ی جان سیستم بانکی امروز کشور شده‌اند. نویسنده نشان می‌دهد که هرچند گسترش بدترین این نهادهای پولی غیررسمی در دولت‌های نهم و دهم صورت گرفته، اما شکل‌گیری آن‌ها ریشه در سال‌های آغازین انقلاب دارد و از همان روزهای اول هم تکنوکرات‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، نگران اخلال این نهادهای غیررسمی در اقتصاد کشور بوده‌اند.

مؤلف این کتاب طبعاً با دیدگاهی سیاسی امور اقتصادی را تحلیل می‌کند، و عنوان کتاب نیز بیانگر عینکی است که وی بر چشم دارد؛ در عین حال، کتاب مروری تاریخی بر سیر تطور این نهادها دارد. البته، از منظرهای دیگری نیز بحث تعاونی‌های اعتباری و قرض‌الحسنه‌ها باید دنبال شود. مثلاً، با ابزار تحلیل آماری نیز می‌باید نقش و نفوذ این نهادهای غیررسمی پولی را در اقتصاد ایران سنجید؛ امری که از حوزه تخصص و دانش مؤلف بیرون بوده و طبعاً در این کتاب کمتر بدان پرداخته شده است. بنابراین، انتشار کتاب وی را می‌باید آغاز فرایندی دانست که می‌بایست با انتشار ده‌ها کتاب طی سال‌های آتی تکمیل شود؛ بررسی‌هایی که هم هدف اصلاح وضعیت و حل معضل را دنبال خواهند کرد، و هم آینده کشور را نسبت به تکرار وقایع مشابه ایمن خواهند کرد.

تألیف کتاب‌هایی از این دست امری دشوار است، چرا که بازیگران صحنه خود کمتر حاضر به صحبت و مصاحبه می‌شوند. حتی پاره‌ای از آنان به شدت از بیان کوچک‌ترین موضوعات مربوط به رویدادها گریزان‌اند، زیرا بیشتر ترجیح

می دهند آن خاطره‌ها زنده نشود تا چیزی را به پای آنان ننویسند. چنین است که نگارش این کتاب بسیار طول کشیده است؛ بیش از آن مدت زمانی که مطالعه‌ای مشابه باید طول بکشد. از این رو، می باید از معدود افرادی صمیمانه تشکر کرد که پافرا نهاده و تن به مصاحبه داده‌اند؛ باشد که عده‌ای از مدیران ارشد و میانی این نهادها نیز گامی به پیش بردارند و خاطرات و نظریات خود را با خوانندگان علاقه‌مند در میان گذرانند.

احمدی امویی تأیید می کند که جلدهای بیشتری از این کتاب باید از سوی خود ایشان منتشر شود. به علاوه، لازم است افراد دیگری با تخصص بانکی و اقتصاد مالی به تحلیل عملکرد این نهادها بپردازند و وزن و تأثیر آن‌ها را در اقتصاد ملی کشور برآورد کنند. و بالاخره محققان دیگری باید به شکل مطالعه موردی، نحوه شکل گیری، حیات، و احتمالاً مرگ تک تک این صندوق‌ها و تعاونی‌ها را مورد بررسی قرار دهند. همه این مطالعات، مورد نیاز اقتصاد امروز ایران است و باید انجام شود.

امید می رود انتشار کتاب اقتصاد سیاسی صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری بتواند به حل مشکل فوری، حساس و مهم امروز اقتصاد ایران کمک کند؛ یعنی، با کاهش نرخ سود بانکی، وضعیت نابسامان امروز بانک‌ها تا حدی اصلاح شود.

حسین عبده تبریزی - خرداد ۱۳۹۶

فصل یکم مهم‌ترین ۱۰ سال ۱۰۰ سال اخیر

دهه ۴۰ در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران جایگاهی ویژه دارد. این دهه در بیشتر سال‌های خود آرامش نسبی داشت. آرامشی که هیچ‌گاه قبل و پس از آن تجربه نشد. شاید این دهه را بتوان باثبات‌ترین دهه یکصد سال اخیر ایران دانست. به‌واسطه اجرای دو برنامه هفت‌ساله که پیش از این دهه شروع شده بود و همچنین اجرای دو برنامه در همین دهه، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و به‌تبع آن، شرایط سیاسی ایران دگرگون شد. از نظر اقتصادی، با تأسیس بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۳۹ و نهادهایی چون سازمان گسترش و نوسازی، بانک صنعت معدن و شکل‌گیری برندهای معروف کالایی در بخش خصوصی، این دهه یکی از موفق‌ترین زمان‌ها برای اقتصاد ایران بود. البته ثبات ایجادشده در حوزه اجتماعی و سیاسی و همچنین نرخ‌های رشدی که اقتصاد ایران در این دهه تجربه کرد، شرایط را برای گسترش اقتصاد بخش خصوصی ایران فراهم کرد. برنامه اصلاحات ارضی و شکل‌گیری یک طبقه متوسط در سایه پول‌های فراوان نفت، از دیگر ویژگی‌های این دوران است.